

بررسی وضعیت تحرک مکانی و اجتماعی
جنسیتی مناطق روستایی و تأثیر آن بر کاهش
شانس طبیعی ازدواج در میان دختران
روستایی: مطالعه موردی شهرستان باغملک
منوچهر کرد زنگنه*

چکیده

این مقاله با هدف بررسی نابرابری تحرک مکانی و اجتماعی جنسیتی مناطق روستایی با پیامد کاهش شانس طبیعی ازدواج دختران خانواده روستایی شهرستان باغملک، نگارش یافته است. در این تحقیق از روش اسنادی و مطالعه مستقیم آمار سرشماری نفوس و مسکن استفاده شده و دارای دو نمونه می باشد. نمونه اول از آمار دانش‌آموزان حدود ۳۰ روستای دهستان سرله استفاده گردیده است. نمونه دوم، ۹۰ مورد نمونه از ازدواج‌های انجام شده جوانان مهاجر به مناطق شهری و جوانان ساکن و در روستا و از هر کدام ۴۵ مورد به لحاظ سطح تحصیلات و محدوده همسرگزینی با روش مشاهده و ارتباط حضوری انتخاب شده است. یافته‌ها از یک سو شتاب بیشتر مهاجرت مردان به مناطق شهری نسبت به زنان و از سوی دیگر پایین بودن سهم آموزشی دختران روستا نسبت به پسران رانشان می دهد. مهاجرت مردان جوان نسبت به زنان جوان تهدیدی برای بهم خوردن نسبت جنسیتی جمعیت روستا است. وضعیت دختران در بخش آموزش نگران کننده است؛ زیرا نسبت سهم آموزشی آنان نسبت به پسران در مقطع راهنمایی کمتر از ۳۰ درصد است. پسران روستا که فرصت‌های تحرک اجتماعی و مکانی پیدا می کنند برای ادامه تحصیل، شغل و ... جذب مناطق شهری می شوند و با حضور در موقعیت‌های جدید کمتر در کنترل خانواده سنتی قرار می گیرند. از این گذشته با ازدواج در جوامع شهری سعی در ارتقاء پایگاه اجتماعی خود نیز می نمایند. و برای همسرگزینی نسبت به دختران مانده در روستا تمایل نشان نمی دهند. در نتیجه دختران که از فرصت‌های مشابه عقب افتاده اند، فرصت‌های شانس طبیعی ازدواج آنان در مقایسه با پسران مهاجر تحت الشعاع نابرابری اجتماعی جنسیتی قرار می گیرد. دیگر نتایج پژوهش که بر روی ازدواج‌های انجام شده مورد مطالعه قرار گرفته است، این نگرانی را آشکارتر می کند.

مفاهیم کلیدی: روستا، تحرک مکانی، تحرک اجتماعی، شانس طبیعی ازدواج، نسبت جنسیتی

* عضو هیات علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر

مقدمه

خوزستان یکی از استانهای مرزی کشور است و نسبت به استانهای دیگر دارای آب و هوای گرم و نسبتاً مرطوب است. شهرستان باغملک از جمله شهرستان های خوزستان در ادامه سلسله دامنه های زاگرس و در شرق این استان قرار دارد. بیش از ۱۰۰،۰۰۰ نفر جمعیت دارد، شامل دو بخش و ۷ دهستان و ۲۶۴ آبادی است. طبق سرشماری سال ۱۳۷۵ از ۹۰۱۰۶ نفر جمعیت تعداد ۱۶۰۸۲ نفر در نقاط شهری و ۷۲۹۱۵ نفر در نقاط روستایی ساکن بوده است (مدیریت برنامه ریزی خوزستان، ۱۳۷۳) مناطق روستایی آن غالباً بافت سنتی و بعضاً تلفیقی از زندگی دهقانی و ایلی نیز می باشد. برخی از مناطق روستایی از آب و خاک و هوای مستعد برخوردار می باشند، اما به دلیل توسعه نامتوازن، این شهرستان از جمله محرومترین شهرهای استان به شمار می رود. بیش از ۳۰ روستا از دهستان سرله که در این مقاله مورد مطالعه قرار گرفت در شمال شرقی شهرستان واقع شده است و تا مرکز شهرستان ۲۵ کیلومتر و تا مرکز استان ۱۲۰ کیلومتر فاصله دارند. به لحاظ بافت و ساختار اقتصادی و اجتماعی و درجه نسبی توسعه بین روستاهای شمال، شرق و غرب دهستان تمایزات و تفاوتی نیز وجود دارد. مهاجرت روستاهای مرکز و غرب دهستان بیشتر به سوی مناطق شهری انجام می شود؛ در حالیکه مهاجرت روستاهای شمال به دلیل داشتن بافت روستایی عشایری بخشی از مهاجرت آنان داخلی و به سوی روستاهای مرکز و غرب دهستان صورت می گیرد و بخشی دیگر به سوی مناطق شهری انجام می شود.

بیان مسأله

«هرمن» بر اساس نظریه بی‌سازمانی اجتماعی، بر واپس ماندگی فرهنگی (وام گرفته از ویلیام اگبرن) تاکید میکند از دیدگاه وی مسأله اجتماعی هنگامی بروز می کند و مسائل موجود هنگامی وخیم تر می شوند که جامعه ابزارهای تغییر را بوجد بیورد یا بپذیرد اما در عین حال از درک، پیش بینی و رسیدگی به پیامدهای چنین عملی ناتوان باشد (گروثرز، ۱۳۷۸) به عبارتی برخی شرایط را که در حال حاضر از آنها چشم می پوشیم، بی-تردید در آینده، مسأله اجتماعی* (social) محسوب خواهند شد. (رابینگتن و واینبرگ، ۱۳۸۲) بنابراین برخی مسائل اجتماعی جامعه روستایی نمود پیدا کرده است و برخی را می توان انتظار داشت که در حال آشکار شدن هستند. بدین ترتیب برای ورود به ابعاد موضوع دو مقوله قابل بررسی است. پدیده مهاجرت جوانان روستا به مناطق شهری و

*-Social problem

به تبع آن بهم خوردن تعادل نسبت جنسی جمعیت است و در کنار این وضعیت نابرابری سهم آموزشی دختران نسبت به پسران، بروز مسأله اجتماعی در موقعیت ازدواج دختران روستایی را نیز فراهم می‌سازد. زیرا در دهه‌های اخیر پدیده مهاجرت در جوامع روستایی ایران به امر پیچیده در سطح ملی تبدیل شده است. (نیک خلق، ۱۳۸۲)

در کل کشور جمعیت ۷۰/۶ درصدی ساکن در روستاها در سال ۱۳۲۰ به ۳۸ درصد در سال ۱۳۷۵ کاهش پیدا کرده است (از کیاوغفاری، ۱۳۸۳) و آمار موجود شتاب مهاجرت را نشان می‌دهد. در این فرایند مهاجرت جوانان و مردان نسبت به زنان شتاب بیشتری دارد و در مناطق روستایی کمتر توسعه یافته این مسأله نمود آشکارتری دارد. زیرا نیروی جوان و فعال بیکار مخصوصاً مردان روستا و در کنار آن جوانان روستا در جستجوی کار و ادامه تحصیل به سوی مناطق شهری مهاجرت می‌کنند. زنان در جوامع روستایی در موقعیت نازلتری نسبت به مردان قرار دارند. (وثوقی، ۱۳۸۲) در بسیاری از امور فقر در بین زنان بیشتر است. سطح سواد، آموزش و شرکت آنها در کارها به نحو قابل توجهی پایین تر از مردان است. در کل نسبت جنسیتی حرکت های مهاجرتی مردان به زنان ۱۰۷ است و در طی سالهای اخیر نسبت جمعیتی مردان نشان دهنده مهاجرت ۱۳۱ مرد در مقابل ۱۰۰ زن است. بنابراین در دوره مهاجرتی در ایران (۶۵ تا ۱۳۷۵) مردان بیش از زنان از نقاط روستایی به شهر مهاجرت کرده اند. (از کیاوغفاری، ۱۳۸۳) یکی از تاثیرات مهاجرت؛ برخورد مهاجران است و از دیگر پیامدهای مهاجرت تأثیر بر جامعه روستایی است. از جمله تاثیر مهاجرت بر مهاجران یکی ازدواج با خانواده های شهری یا خویشاوندان مقیم شهر است و دیگر بهم خوردن تعادل نسبت جنسی در محیط روستایی به دلیل مهاجرت مردان روستایی است. (سیف اللهی، ۱۳۸۱)

تأثیر متغیر دیگر یعنی سواد در امر مهاجرت و تحرک اجتماعی نیز قابل طرح و بررسی است. بنابراین چون نسبت سهم آموزشی دختران نسبت به پسران در مقطع راهنمایی پایین است و حتی در سطح جهانی طبق گزارش سال ۱۹۹۶ یونیسف در حال حاضر یک چهارم دختران ۷ ساله از رفتن به مدرسه محروم می‌باشند (سهرابی، ۱۳۸۲) در ایران هم نسبت بی‌سوادی زنان به مراتب بیش از مردان است. (از کیاوغفاری، ۱۳۸۳)

در مناطق روستایی شهرستان باغملک نابرابری آموزشی زنان نسبت به مردان و نابرابری تحرک مکانی قابل توجه به نظر می‌رسد. زیرا نسبت آموزشی دختران به پسران در مناطق روستایی در مقطع راهنمایی پایین است (کمتر از ۳۰ درصد دختران در مقابل بیش از ۷۰ درصد پسران). در کل کشور رشد جمعیت در برخی از روستاها منفی است که بیانگر شتاب مهاجرت نیز می‌باشد. جمعیت برخی دیگر از روستاها در سال ۷۵ نسبت به سال ۶۵ ثابت مانده است. در حالیکه نرخ رشد جمعیت در دهه ۶۰ در کشور ۳/۹ درصد بوده

است. (سهرابی، ۱۳۸۲) لذا ثابت ماندن جمعیت حکایت از شتاب مهاجرت دارد. در کنار نیروی فعال و بیکار روستایی، و نابرابری توسعه شهر و روستا؛ روند مهاجرت ناهمگون و نابسامان جامعه روستایی بسوی مناطق شهری شتاب‌آلود است. وجود زمینه‌های اشتغال در سطح استان نظیر مشاغل مربوط به نفت، بازسازی مناطق جنگ زده، وجود صنایع نوین مانند سدها و منابع تولید برق، شرکت‌ها، گسترش ارتباط روستا و شهر، توسعه مسکن و شهرسازی در شهر ما و ... زمینه جذب نیروی جوان روستا به شهر گردیده است. از طرفی روستاها از توسعه پایدار و بنیادی برخوردار نبوده و نابرابری اجتماعی جنسی سبب گردیده تا دختران روستا فرصت‌های تحرک اجتماعی برای دستیابی به پایگاه اجتماعی مشابه پسران را نداشته باشند.

پرسش اصلی این مقاله این است تحرک مکانی و اجتماعی جنسیتی نابرابر چه پیامدهایی بر پدیده ازدواج دختران روستایی دارد؟ که این پرسش در قالب پرسش‌های انضمامی‌تر زیر مورد بررسی قرار گرفته است.

- الف) وضعیت جمعیتی و نسبت جنسی در گروه‌های سنی ۳۴- ۱۵ ساله با توجه به پدیده مهاجرت و تحرک مکانی جوانان چگونه است؟ (ترکیب و ساخت جمعیت)
- ب) وضعیت آموزشی دختران مناطق روستایی چگونه است؟ (شاخص تحرک اجتماعی)
- ج) ازدواج و محدوده همسرگزینی پسران مهاجر در مقایسه با پسران ساکن در روستا چگونه است؟
- د) سطح تحصیلات دوگروه یاد شده در هنگام ازدواج چگونه است؟

مبانی نظری

هدف از این مقاله بررسی وضعیت تحرک مکانی و اجتماعی جنسیتی مناطق روستایی با پیامد کاهش شانس طبیعی ازدواج دختران خانواده روستایی است. انسان سده بیستم انسان رها از موانع و سدهای نیرومند جهت تحرک مکانی و اجتماعی است. این انسان با آزادی، همسر خود را برمی‌گزیند، در فرایند همسرگزینی از تأثیر عنصر جغرافیا کاسته شده است. زادگاه افراد دیگر به اقامتگاه در هنگام زناشویی بستگی ندارد. (ساروخانی، ۱۳۸۲) گستره آزادی انتخاب همسر و کاهش تأثیر عنصر جغرافیا در جوامع روستایی ایران برای دوجنس یکسان و نزدیک بهم تغییر نکرده است. در این زمینه محدودیت‌های اجتماعی و نابرابری جنسی برای دختران نیز وجود است. در نتیجه ازدواج آنان با کاهش شانس روبرو است زیرا دختران در تحرک اجتماعی و مکانی با محدودیت و نابرابری روبرویند.

دگرگونی های سریع چون پیدایش شهرهای بزرگ، مهاجرت وسیع روستاییان به شهر و گسترش وسایل ارتباطی و ... بروز تغییرات همه جانبه ای را در امر انتخاب همسر موجب گردیده است. (همانجا) به عبارتی دگرگونی ها زمینه را برای آزادی در تصمیم گیری گزینش ها برای افراد جامعه فراهم آورده است و از وابستگی تصمیم گیری، هر روز کاسته میشود (شفر، ۱۳۸۳) اما محدوده تنگ دایره گزینش همسر برای دختران مانده در روستا کاملاً شکسته نشده است. هرچند تصورات زنان و دختران روستا از جایگاه خود تغییر کرده است ولی برای عینیت بخشیدن بدان با نابرابری جنسی و موانع روبرو هستند.

کاهش شانس طبیعی ازدواج متأثر از برخی عوامل از جمله نابرابری تحرک مکانی یا مهاجرت، نابرابری اشتغال و نابرابری آموزشی زنان نسبت به مردان است. جامعه شناسان برای سنجش تحرک اجتماعی ملاک های مختلفی به کار می برند که مهمترین و اساسی ترین آنها شغل و تعلیم و تربیت است. از ملاک های دیگر، دست یابی به ثروت و ازدواج را می توان نام برد. (نیک خلق، ۱۳۸۲)

تحرک اجتماعی* (Social) به معنای انتقال فرد یا گروه از یک پایگاه اجتماعی به پایگاه اجتماعی دیگر است و دو جنبه دارد، تحرک اجتماعی عمودی که خود می تواند صعودی باشد و یا نزولی، و جنبه دوم تحرک افقی است که به پایگاه مشابه یا همانند اطلاق می شود. (نیک خلق، ۱۳۸۲) یکی از راههای تحرک اجتماعی ازدواج است. ازدواج عملی است که پیوند دوجنس مخالف را بر پایه روابط پایای جنسی موجب می شود. (ساروخانی، ۱۳۸۲)

تحرک مکانی یا مهاجرت در لغت نامه جمعیت شناسی سازمان ملل چنین تعریف شده است. مهاجرت شکلی از تحرک جغرافیایی یا تحرک مکانی جمعیت که بین دو واحد جغرافیایی صورت می گیرد. این تحرک جغرافیایی تغییر اقامتگاه از مبدا یا محل حرکت به مقصد یا محل ورود می باشد. (زنجانی، ۱۳۷۶)

دیدگاههای مربوط به نابرابری جنسیتی متنوعند که به برخی از آنها اشاره می شود یکی از آنها تفاوت و تمایز جنسیتی را ملاک قرار می دهد و دیدگاه دیگر مبتنی بر نابرابری جنسیتی است، (گیدنز به نقل از معیدفر، ۱۳۸۳)

دیدگاه تمایز جنسیتی، تمایز دو جنس را تحمیلی از سوی جامعه و نهادهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و فرهنگی آن می داند. این دیدگاه مفهوم نابرابری جنسیتی را که مفهومی اجتماعی است در برابر دیدگاه اول که تفاوت جنسیتی را بیشتر مفهومی زیست شناسی میداند قرار می دهد و آن را قابل برطرف شدن می داند. (معیدفر، ۱۳۸۳)

در جوامع روستایی ایران نابرابری جنسیتی نیز وجود دارد اما میزان و چگونگی آن در همه جوامع یکسان نیست و بیانگر اجتماعی بودن نابرابری و اصلاح پذیری آن نیز می-تواند باشد. از سویی صنعت در روستاها رواج پیدا نکرد تا نهادهای اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی این جوامع دستخوش تغییرات بنیادی شوند، در اولین برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور در بعد از انقلاب (۷۳-۱۳۶۸) همچون در سه برنامه پنج ساله از پنج برنامه قبل از انقلاب بررسی عمران و توسعه روستایی فصلی مستقل تعریف نشد. (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۲).

نابرابری اقتصادی و اجتماعی روستا و شهر زمینه مهاجرت روستائیان را فراهم آورد. در خصوص مهاجرت دیدگاههای مختلفی وجود دارد که از جمله نظریه جذب و دفع (تفاوتها) و نظریه وابستگی را می توان نام برد. در نظریه جذب و دفع بحث می شود که عوامل نامساعد اجتماعی و اقتصادی، سیاسی و فیزیکی باعث دوری مردم از محل سکونت خود شده و بالعکس آنها را به نقطه‌ای که از این نظر شرایط مساعدی دارد جذب می‌کند، این دیدگاه مهاجرت را رفتاری عقلایی قلمداد می‌کند (یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۲).

با توجه به نظریه وابستگی می توان گفت در کشور ما توسعه بین روستا و شهر به طور کلی از توازن برخوردار نیست. می توان در نظر گرفت که نوعی رابطه وابستگی بین مناطق کمتر توسعه یافته به مناطق شهری رواج پیدا می‌کند. به عبارتی امکانات رفاهی، آموزشی، درمانی، اشتغال و سایر امکانات زندگی در مناطق شهری فراهم تر است. چنین نابرابری زمینه مهاجرت از روستا به شهر را فراهم می‌کند. هر چند نظریه وابستگی رویکرد بین‌المللی در وابستگی کشورهای جهان سوم با کشورهای پیشرفته است. ولی در یک مقیاس محدودتر در هر جامعه نیز قابلیت کاربرد دارد. دیدگاه غالب بر توسعه روستایی در مکتب وابستگی نیز متأثر از صورت کلی آن است. بخش روستایی و کشاورزی در کشورهای توسعه نیافته وابسته به صنایع شهری است (همان) در کنار این دیدگاهها، گستره ارتباطات و حضور رسانه ها در مناطق روستایی، آگاهی های اجتماعی و فرهنگی نسبت به این نابرابری ها بالا برده و آنان را به مهاجرت سوی شهرها ترغیب می کند بدین ترتیب تصور مردم از جایگاه و انتظارات خود دستخوش تغییرات شده است و از سوی دیگر سامان دهی پدیده مهاجرت و توسعه از درون مناطق روستایی برای کاهش مهاجرت مورد توجه قرار نگرفت.

پیشینه تحقیق

تحقیقات انجام شده در سال های اخیر نشان می دهد روند مهاجرت روستائیان به شهر بر اثر عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی - ویژه به دلیل گرایش شدید

جوانان روستایی به تحصیلات دانشگاهی و احراز مشاغل بالا- رو به فزونی است. به نظر می رسد پدیده مهاجرت امروزه به صورت یکی از مسائل پیچیده و حاد اجتماعی در سطح ملی درآمده است (نیک خلق، ۱۳۸۲) آمار حاکی از آن است که مردان مهاجر نسبت به زنان مهاجر روستا از نظر شمار جمعیت فزونی دارند. در کل نسبت حرکت های مهاجرتی مردان به زنان ۱۰۷ است و در طی سالهای اخیر نسبت جمعیتی مردان نشان دهنده مهاجرت ۱۳۱ مرد درمقابل ۱۰۰ زن است. بنابراین در دوره مهاجرتی در ایران (۶۵ تا ۱۳۷۵) مردان بیش از زنان از نقاط روستایی به شهر مهاجرت کرده اند (ازکیا و غفاری ۱۳۸۳،

در ایران بعد از انقلاب مهاجرت مردان نسبت به زنان فزونی پیدا کرده است. هر چند اوایل انقلاب مهاجرت تقلیل یافت و این امر شاید ناشی از هرج و مرج های حاصل شده در اقتصاد شهر بوده است. به تدریج در اوایل دهه ۶۰ مجدداً مهاجرت های روستا به شهر آغاز شد. مهمترین انگیزه مهاجرت از حیث اقتصادی عدم تعادل میان نیروی کار روستایی و اقتصاد شهری و از حیث اجتماعی انزوای جامعه روستایی و ارتقای تحرک روانی و اجتماعی روستائیان بود. (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳)

همچنان فقر عمومی یک مصیبت روستایی است (گالبرایت، ۱۳۶۰) درصد فقر روستایی در برنامه اول ۲۳/۲ درصد و در سال ۱۳۸۲ برابر با ۲۲ درصد گزارش شده است. (سازمان مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۸۳) آمار بیانگر وضعیت عمومی فقر در جامعه روستایی است. بنابراین نیروی جوان در چنین فضایی روستا را ترک می کند و روانه شهر خواهد شد. خلاصه مهاجرت روستایی دارای ویژگی هایی است که نویسندگان از جمله ازکیا و غفاری در کتاب خود به آنها اشاره کرده اند (۱۳۸۳).

بررسی هایی که در زمینه سن و وضعیت تأهل مهاجرین روستا به عمل آمده است، جوان گزین، و مجرد گزین بودن مهاجرین روستایی به شهر را تأیید می کند. بررسی های انجام شده نشان می دهد که درصد مهاجران با توجه به گروه سنی در روستاهای بجنورد ۷۱/۶ درصد درگروه های سنی ۳۹-۱۵ ساله قرار داشتند. روستاهای اراک ۹۷/۴ درصد، بیرجند ۹۱/۷ درصد بوده است. ارقام مذکور حاکی از آن است که مهاجران روستایی را به طور عمده جوانان و نیروهای فعال جامعه تشکیل می دهند. (نیک خلق، ۱۳۸۲)

مهاجرت در یک کشور و مناطقی از آن تأثیرات بسیار زیادی بر سایر متغیرهای جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی آن بر جا می گذارد. (حلم سرشت و دل پیشه، ۱۳۷۹) مهاجرت باعث کاهش تعداد ساکنین منطقه مهاجر فرصت می شود و این کاهش، تنها مبنای کاهش نفرت نیست، بلکه با تغییرات روابط کمی درمیان گروههای مختلف، از یک طرف ساخت اجتماعی ده و از طرف دیگر موازنه گروههای سنی و جنسی دگرگون می-

شود. جوانان همیشه اولین گروههایی هستند که ده را ترک می‌کنند. این امر خود موجب پیری جمعیت روستا می‌شود و اثر این عمل بر هرم سنی به صورت بارزی نمودار می‌شود (وثوقی، ۱۳۸۲) در نتیجه ترکیب و ساخت جمعیت بهم می‌خورد. در حالی که نسبت جنسی یکی از شاخصهای توسعه به شمار می‌رود و نشانگر تساوی موقعیت های اجتماعی مردان با زنان است. واضح است که سرمایه‌گذاری در امر آموزش به دلایل بسیاری با ارزش است. یک سال آموزش زنان سبب ۹٪ کاهش مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال می‌شود. کودکان که دارای مادران تحصیل کرده هستند سالم ترند (هودر، ۱۳۸۱) بنابراین تأثیر سواد بر امر مهاجرت و ارتقاء تحرک اجتماعی را نمی‌توان از نظر دور داشت. همانطور که از کیا و غفاری (۱۳۸۳) اشاره داشتند که باسوادها بخش وسیعی از مهاجران را تشکیل می‌دهند جوانان روستا با کسب سواد و آگاهی اجتماعی درباره ارزش های اجتماعی موجود جامعه و پایین بودن پایگاه اجتماعی خود سعی دارند از ده بگریزند. در این فرایند محدودیت های اجتماعی و نابرابری جنسی مانع از ارتقاء اجتماعی دختران روستا می‌شود.

تحقیقات انجام شده درباره‌ای از مناطق روستایی ایران نشان می‌دهد که بین عامل سواد و مهاجرت رابطه مستقیمی جود دارد. بررسی های انجام شده در ۷ منطقه روستایی ایران حاکی از آن است که در مجموع ۵۷/۴ درصد مهاجران باسواد بوده‌اند و مهاجرت مردان بیش از زنان است در حالی که در این فرایند یعنی پدیده مهاجرت زنان روستایی تا حد زیادی جنبه تبعی دارد زیرا اغلب به همراه شوهر، پدر و یا فرزندان خود مهاجرت می‌کنند (نیک خلق، ۱۳۸۲)

بررسی داده های مربوط به سواد میان زنان و مردان حاکی از آن است که بیسوادی و کم سوادی در میان زنان به مراتب بیشتر از مردان است. میزان باسوادی برای زنان در سال ۱۳۶۵ حدود ۳۶ درصد بوده و برای مردان روستا در همین دوره ۵۹/۹ درصد بوده است (از کیا و غفاری، ۱۳۸۳)

عامل سواد عامل مؤثری در ایجاد تحرک های شغلی و اجتماعی است. مطالعه ای که در زمینه تأثیر سواد بر تحرک شغلی در روستاهای اصفهان انجام گرفته موید این نظر است. ۷۱ درصد روستاییان که در کلاس درس شرکت کرده‌اند پس از گذراندن کلاس و سواد میل به تغییر شغل در آنان بوجود آمده است (همانجا) جوانان پسر روستا که به نسبت جوانان دختر از مهاجرت به شهر فزونی دارند تحت تأثیر ارزشهای جامعه شهری قرار می‌گیرند و برای همسرگزینی از روستا تمایل نشان نمی‌دهند و در نتیجه شانس طبیعی ازدواج دختران را به خطر می‌اندازد.

مطالعات نشان می‌دهد که ازدواج همسان‌گزینی رو به گسترش و عمومیت دارد و افراد اغلب همسران خود را در میان طبقه و گروه اجتماعی خود انتخاب می‌کنند. (نیک خلق، ۱۳۸۲)

جوانان روستا که به شهر مهاجرت می‌کنند با موقعیت‌های جدید روبرو می‌شوند، برای همسرگزینی بسوی دختران شهری و یا خویشاوندان مقیم شهر روی می‌آورند. در حالیکه دختران مانده در روستا، محروم از امتیازاتی از قبیل شغل و تحصیلات و آزادی-های نسبی اجتماعی هستند برای پسران مهاجر و دارای موقعیت‌های جدید نمی‌توانند همسر همسان تلقی شوند. زیرا در بسیاری از امور فقر در بین زنان بیشتر است، سطح سواد، آموزش و شرکت آنها در کارها به نحو قابل توجهی پایین‌تر از مردان است، دسترسی به آموزش‌های اساسی و فرصت‌های کسب درآمد برای زنان محدود است، زنان و دختران در همان منطقه می‌مانند و اگر مهاجراتی در میان باشد مهاجرت آنان به تبع از بقیه اعضای خانواده می‌باشد (زنجانی، ۱۳۷۶)

روش شناسی

این تحقیق در بحث شناخت وضعیت موجود توصیفی است و در آن از روش اسنادی برای بررسی ابعاد مفهومی جامعه روستایی و مهاجرت و پیشینه در نوشته‌های مربوطه بهره گرفته است. همچنین از مطالعه مستقیم آمار سرشماری نفوس و مسکن، آمار دانش-آموزان آموزشگاهها، آمار موجود در خانه بهداشت‌های روستا، مشاهدات و مصاحبه حضوری محقق استفاده گردیده است.

جامعه آماری شامل روستا‌های شهرستان باغملک است. این تحقق دارای دو نمونه آماری است. نمونه اول ۳۰ روستای دهستان سرله که طبق سرشماری سال ۱۳۷۵ دارای ۱۲۹۹ خانوار و ۷۹۴۳ نفر جمعیت بوده است. با اختیار داشتن آمار دانش‌آموزان از ۷۶-۷۷ تا سال تحصیلی ۸۱-۱۳۸۰ اطلاعات مورد نیاز به دست آورده شد. در سال تحصیلی ۸۱-۸۰ در دهستان سرله در مقطع ابتدایی ۷۰۸ نفر پسر و ۵۰۱ نفر دختر و در مقطع راهنمایی ۴۵۵ نفر پسر و ۲۰۳ نفر دختر مشغول به تحصیل بوده‌اند. (آموزش و پرورش باغملک، ۱۳۸۲)

نمونه دوم شامل ۹۰ مورد ازدواج است که در دو گروه جای گرفته‌اند. ۴۵ مورد پسران مهاجر به شهر و ۴۵ مورد پسران ساکن در روستا در هنگام ازدواج، محل همسر-گزینی و میزان تحصیلات آنان و همسرانشان در دو محل شهر و روستا نیز انتخاب شده است.

یافته ها

چنان که در اهداف این مطالعه آمده است؛ هدف بررسی وضعیت تحرک مکانی و اجتماعی باپایام کاهش شانس طبیعی ازدواج دختران روستایی است. یعنی منظرگاه جامعه‌شناختی موضوع نابرابری جنسیتی اجتماعی است. لذا این نابرابری در دو مؤلفه، تحرک اجتماعی و تحرک مکانی زنان نسبت به مردان مطرح است. این فرآیندها پیامدهایی بر جوامع روستایی دارد. که موجب نگرانی زنان و دختران روستایی و خانواده آنان شده است. به نظر می‌رسد کاهش شانس طبیعی ازدواج به عنوان یک متغیر تحت تأثیر عواملی از جمله مهاجرت و تعلیم و تربیت است. در این بررسی وضعیت مهاجرت و نابرابری تحرک مکانی زنان نسبت به مردان و از سوی دیگر نابرابری در تحرک اجتماعی و تغییر پایگاه اجتماعی با شاخص اشتغال و تحصیلات ارزیابی شده است. سپس با بررسی و مقایسه نمونه‌های ازدواج دو گروه از مردان مهاجر و ساکن در روستا با توجه به دایره همسرگزینی آنان، سطح تحصیلات مردان و زنان نیز بررسی و مقایسه شده است. هر کدام از مراتب ذکر شده به طور خلاصه در زیر شرح داده می‌شوند.

الف) وضعیت مهاجرت و تحرک مکانی

همانطور که داده‌های جدول شماره ۱ نشان می‌دهد، مقایسه دو سرشماری ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ حاکی از شتاب مهاجرت است. مقایسه این دو سرشماری نیز نشان می‌دهد که تا حدودی نرخ رشد جمعیت کشور ثابت است. در حالی که نرخ رشد جمعیت در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ حدود ۳/۹ درصد گزارش شده است.

ثابت ماندن تقریبی نرخ رشد جمعیت دهستان در سال ۱۳۷۵ که جمعیت آن برابر با ۷۹۴۳ نفر است، شتاب مهاجرت به مناطق شهری را آشکار می‌کند. زیرا جمعیت دهستان در سال ۱۳۶۵ برابر با ۷۸۶۴ نفر بوده است. البته مقایسه جمعیت سال ۱۳۵۵ با ۱۳۶۵ افزایش نسبی را نشان می‌دهد.

دیگر موردی که داده‌ها نشان می‌دهند مقایسه بعد خانوار است که در سال ۱۳۷۵ (۶/۱۱) نسبت به سال ۱۳۶۵ (۵/۷۵) افزایش پیدا کرده است و در سال ۱۳۷۵ (۶/۱۱) نسبت به سال ۱۳۶۵ بالاتر رفته است که می‌تواند گویای افزایش بار تکفل خانواده روستایی و جوانی جمعیت را نیز آشکار نماید. در فرآیند مهاجرت روستا به شهر، نرخ رشد جمعیت برخی از روستاهای دهستان منفی بوده است (روستاهای شرق دهستان) که این مسأله بیانگر سرعت و شتاب مهاجرت نیز می‌باشد.

جدول ۱: وضعیت تعداد و بعد خانوار دهستان در سه سرشماری نفوس و مسکن

سرشماری ۱۳۷۵			سرشماری ۱۳۶۵			سرشماری ۱۳۵۵		
تعداد	تعداد	تعداد	تعداد	تعداد	تعداد	تعداد	تعداد	تعداد
کل	خانوار	بعد خانوار	کل	خانوار	بعد خانوار	کل	خانوار	بعد خانوار
۵۹۴۴	۱۱۰۶	۵/۳۷	۷۸۶۴	۱۳۶۴	۵/۷۶	۷۹۴۳	۱۲۹۹	۶/۱۱

یکی دیگر از متغیرهایی که می‌تواند گویای نابرابریهای اجتماعی جنسی باشد، وضعیت اشتغال زنان روستا نسبت به مردان است. که این امر می‌تواند وضعیت مشارکت در عرصه اقتصادی و اجتماعی با توجه به شرایط امروز جوامع را آشکار نماید. همانطور که جدول شماره ۲ نشان می‌دهد. نسبت اشتغال زنان در مقایسه با مردان هم در مناطق روستایی شهرستان؛ و هم در روستاهای دهستان در سطح پایین قرار دارد. به عبارتی در سطح مناطق روستایی شهرستان برای زنان ۳/۷۵ درصد و برای مردان ۲۴/۹۹ درصد می‌باشد. در روستاهای دهستان سرله برای زنان ۰/۲۹ درصد و برای مردان ۲۱/۰۴ درصد است.

جدول ۲: میزان اشتغال مردان و زنان مناطق روستایی در سال ۱۳۷۵

جمع	درصد (زن)	درصد (مرد)	کل
۲۸/۷۴	۳/۷۵	۲۴/۹۹	روستاهای مناطق شهرستان باغملک
۲۱/۲۳	۰/۲۹	۲۱/۰۴	روستاهای دهستان سرله

جدول ۳ نشان می‌دهد که مردان جوان مهاجر به شهر نسبت به زنان جوانان فزونی دارد. این افراد به طور متوسط گروه‌های سنی ۱۵-۳۴ ساله را تشکیل می‌دهند. داده‌ها نشان می‌دهد که در مقابل ۱۳۰ مرد، حدود ۱۰۰ زن مهاجرت کرده‌اند به عبارتی در گروه‌های سنی ۱۵-۳۴ ساله به ازای ۱۰۰ دختر ساکن در روستا ۷۵ تا ۷۰ پسر ساکن است. این وضعیت تغییر در ساخت و نسبت جنسی جمعیت روستا را نشان می‌دهد. بدین ترتیب می‌توان پی برد که جوانان روستا چگونه برای کسب تحصیلات و شغل یابی و در نتیجه تغییر موقعیت اجتماعی خود از روستاها مهاجرت می‌کنند.

جدول ۳: تعداد مهاجرین مرد به شهر در گروه های سنی ۳۴-۱۵ سال ۱۳۷۷ در سه روستای دهستان

نام روستا	دانش آموز متوسط در روستا	دانش آموز متوسط در شهر	دانشجو در شهرها	اشتغال دولتی	اشتغال آزاد	جمع
دوگچه	۱۲	۵	۶	۸	۷	۳۸
تل شور	۱۵	۷	۷	۱۱	۱۲	۵۲
سرله	۱۷	۶	۸	۱۲	۱۰	۵۳
جمع	۴۴	۱۸	۲۱	۳۱	۲۹	۱۴۳

ب) وضعیت آموزشی دختران روستا

در این قسمت سهم آموزشی دختران مناطق روستایی و دهستان سرله در مقاطع ابتدایی و راهنمایی در مقایسه با شهر و روستا نسبت به پسران ارزیابی شده است. جدول ۴ نشان می‌دهد که نسبت دانش‌آموزان دختر به پسر در مقطع ابتدایی در حوزه شهری تقریباً از توازن نسبی برخوردار است. در حوزه روستایی سهم آموزشی دختران پایین‌تر از پسران است. این نسبت در سال تحصیلی ۸۱-۸۰ برای پسران ۵۷/۵۲ درصد و برای دختران ۴۳/۴۷ درصد است.

در مقطع راهنمایی، سهم آموزشی دختران در حوزه شهری پایین‌تر از پسران است. یعنی سهم دختران ۳۳/۴۷ درصد در حالی که سهم پسران ۷۷/۵۲ درصد است، همچنین مشاهده می‌شود که در این مقطع در مناطق روستایی شهرستان باغملک نسبت دختران پایین است. (۳۳/۵۷ درصد پسران و ۶۷/۴۲ درصد دختران).

جدول ۴: مقایسه نسبت دانش‌آموزان دختر و پسر حوزه شهر و روستا در شهرستان باغملک

راهنمایی روستایی		راهنمایی شهری		ابتدایی روستایی		ابتدایی شهری		مقطع تحصیلی،
جنس		جنس		جنس		جنس		محل و جنس
درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	سال تحصیلی
دختر	پسر	دختر	پسر	دختر	پسر	دختر	پسر	
۴۱/۲۲	۵۸/۶۸	۴۴/۷۲	۵۵/۲۷	۴۷/۱۵	۵۲/۸۵	۵۰/۲۲	۴۹/۸۸	۷۶-۷۷
۴۲/۱۳	۵۷/۸۷	۴۲/۰۴	۵۷/۹۶	۴۷/۵۶	۵۲/۴۴	۴۹/۷۱	۵۰/۳۱	۷۷-۷۸
۴۱/۴۱	۵۸/۵۹	۴۶/۰۵	۵۳/۰۵	۵۳/۹۵	۴۶/۴۵	۴۹/۹۲	۵۱/۰۸	۷۸-۷۹
۴۰/۵۰	۵۹/۵۰	۴۶/۵۴	۵۳/۴۶	۴۶/۹۱	۵۳/۰۹	۴۹/۰۵	۵۰/۹۵	۷۹-۸۰
۴۲/۶۷	۵۷/۳۳	۴۷/۳۳	۵۲/۷۷	۴۷/۴۳	۵۲/۵۷	۴۹/۶۱	۵۰/۳۹	۸۰-۸۱

جدول ۵ نشان می‌دهد که نسبت سهم آموزشی دختران در مقطع ابتدایی نسبت به پسران پایین‌تر است و آمار دانش‌آموزان از سال تحصیلی ۷۸-۷۹ رو به کاهش می‌گذارد که علت این کاهش را می‌توان در پدیده مهاجرت جستجو کرد.

و با توجه به آمار سال تحصیلی ۸۰-۸۱ نسبت دانش‌آموزان دختر به پسر در مقطع ابتدایی ۴۵/۹۲ درصد در مقابل ۵۴/۰۸ درصد است. یعنی سهم آموزشی دختران در مقطع ابتدایی پایین‌تر است. در مقطع راهنمایی نسبت سهم آموزشی دختران در سال تحصیلی ۷۶-۷۷ برابر ۲۱/۰۵ درصد بوده است. در سال ۸۰-۸۱ اگر چه این نسبت افزایش پیدا کرده است، اما در مقایسه با پسران مطلوب نیست، زیرا ۳۰/۸۶ درصد نسبت دختران و ۶۹/۱۴ درصد نسبت پسران است، بدین ترتیب می‌توان با توجه به محدودیت‌های اجتماعی و عدم وجود مراکز آموزشی، و... وضعیت دانش‌آموزان دختر در مناطق روستایی را در مقاطع متوسطه و عالی حدس زد. سهم دختران در سه پایه اول و دوم و سوم راهنمایی ۳۰/۸۶ می‌باشد که هر چه از پایه اول به سوی پایه سوم بالاتر رود. نسبت سهم دختران کمتر می‌شود.

جدول ۵: وضعیت نسبت دانش‌آموزان دختر و پسر روستاهای سرله در مقاطع ابتدایی و راهنمایی

راهنمایی		ابتدایی		مقطع و جنس
جنس		جنس		
درصد دختر	درصد پسر	درصد دختر	درصد پسر	سال تحصیلی
۲۱/۰۵	۷۸/۹۵	۴۲/۸۱	۵۷/۱۹	۷۶-۷۷
۲۳/۶۴	۷۶/۳۶	۴۴/۰۵	۵۵/۹۵	۷۷-۷۸
۲۶/۶۳	۷۳/۳۷	۴۵/۱۱	۵۴/۸۹	۷۸-۷۹
۲۲/۱۹	۷۷/۸۱	۴۱/۴۸	۵۸/۵۲	۷۹-۸۰
۳۰/۸۶	۶۹/۱۴	۴۵/۹۲	۵۴/۰۸	۸۰-۸۱

ج) وضعیت مقایسه ازدواج انجام شده بین جوانان ساکن در روستا با جوانان مهاجر

مقایسه جدول ۶ و ۷ نشان می‌دهد که از نمونه ازدواج مردان ساکن در روستا ۶۸/۸۸ درصد همسران خود را از روستا انتخاب کرده‌اند، و ۳۱/۱۱ درصد از شهر همسر انتخاب نموده‌اند. در مقابل از مردان مهاجر به شهر ۷۵/۵۴ درصد در شهر همسر انتخاب کرده‌اند در حالیکه ۲۴/۴۶ درصد مهاجران از روستا همسر انتخاب کرده‌اند. بنابراین مردانی که مهاجرت کرده‌اند میل به همسرگزینی آنان در مناطق شهری بیشتر است. نکته ظریف و مهم اینکه تعداد مردان ساکن در روستا که از شهر همسر انتخاب کرده‌اند بیشتر از جوانان مهاجر به شهر است که از روستا همسر انتخاب کرده‌اند. یعنی ۳۱/۱۱ درصد در مقابل ۲۴/۴۶ درصد.

با مقایسه سطح تحصیلات می‌توان گفت ۲۴/۴۶ درصد از پسران مهاجر دارای تحصیلات ابتدایی و راهنمایی، در مقابل ۴۰ درصد دختران ساکن در روستا در این مقطع قرار دارند. ۲۸/۸۸ درصد مردان در مقطع متوسطه و دیپلم و زنان ساکن در روستا ۲۴/۴۴ درصد است. همچنین داده نشان می‌دهند که در حالی که ۴۶/۶۶ درصد از پسران مهاجر دارای تحصیلات فوق دیپلم، لیسانس و بالاتر و اما برای دختران ساکن در روستا این نسبت ۲/۲۲ درصد است.

جدول ۶: مقایسه محل همسرگزینی و مقطع تحصیلات نمونه‌هایی از ازدواج‌های انجام شده جوانان ساکن در روستا (۸۱-۱۳۷۱) در سه روستای دهستان

جمع	زن روستایی			زن شهری			جنس و محل	
	ابتدایی و راهنمایی	متوسط و دیپلم	فوق دیپلم، لیسانس و بالاتر	ابتدایی و راهنمایی	متوسطه و دیپلم	فوق دیپلم، لیسانس و بالاتر	تحصیلات	مرد ساکن در روستا در هنگام ازدواج
۱۳ ۲۸/۸۸	۶	۴	-	۲	۱	-	ابتدایی و راهنمایی	
۱۶ ۳۵/۵۶	۷	۶	۱	-	۲	-	متوسطه و دیپلم	
۱۶ ۳۵/۵۶	۵	۲	-	۱	۶	۲	فوق دیپلم، لیسانس و بالاتر	
۴۵ ٪۱۰۰	۱۸ ۴۰	۱۲ ۲۶/۶۶	۱ ۲/۲۲	۳ ۶/۶۶	۹ ۲۰/۴۴	۲ ۴/۴۴	جمع	

جدول ۷: مقایسه محل همسرگزینی و مقطع تحصیلات نمونه‌هایی از ازدواج‌های انجام شده جوانان مهاجر به شهر (۸۱-۱۳۷۱) در سه روستای دهستان

جمع	زن روستایی			زن شهری			جنس و محل	
	ابتدایی و راهنمایی	متوسط و دیپلم	فوق دیپلم، لیسانس و بالاتر	ابتدایی و راهنمایی	متوسطه و دیپلم	فوق دیپلم، لیسانس و بالاتر	تحصیلات	مرد روستایی مهاجر به شهر
۱۱ ۲۴/۴۴	۲	-	-	۲	۴	۳	ابتدایی و راهنمایی	
۱۳ ۲۸/۸۸	۳	۲	-	۱	۲	۵	متوسطه و دیپلم	
۲۱ ۴۶/۶۶	۱	۳	-	۱	۳	۱۳	فوق دیپلم، لیسانس و بالاتر	
۴۵	۶ ۱۳/۳۳	۵ ۱۱/۱۱	-	۴ ۸/۸۸	۹ ۲۰	۲۱ ۴۶/۶۶	جمع	

بحث

در بعد جمعیتی، جمعیت مناطق روستایی شهرستان بیش از جمعیت شهری است. یعنی دارای ۲ بخش، ۷ دهستان و ۲۴۶ آبادی است. آمار نشان می‌دهد که جمعیت دهستان مورد مطالعه در سال ۱۳۶۵ نسبت به سال ۱۳۵۵ افزایش پیدا کرده است، ولی جمعیت ۱۳۷۵ با مقایسه با جمعیت ۱۳۶۵ تقریباً ثابت مانده است، نرخ رشد جمعیت کشور در دهه ۶۰ و ۷۰ حدود ۳/۹ درصد بوده است. لذا ثابت ماندن جمعیت دهستان و رشد منفی برخی از روستاها بیانگر رشد شتاب‌آلود مهاجرت روستائیان به سوی مناطق شهری است. نکته مهم دیگر این که شتاب مهاجرت مردان و جوانان بیش از زنان است. در گروه‌های سنی ۳۴-۱۵ ساله در مقابل ۱۳۰ مرد، ۱۰۰ زن مهاجرت می‌کند به عبارتی در گروه‌های مذکور به ازای ۱۰۰ زن ساکن در روستا ۷۵-۷۰ مرد ساکن است. یافته‌های این تحقیق با مطالعه ازکیا و غفاری (۱۳۸۳) که نسبت جنسیتی مهاجرت ۱۳۱ مرد از ۱۰۰ زن در دوره مهاجرتی سال‌های ۶۵-۷۵ و همچنین با نتایج تحقیق نیک‌خلق (۱۳۸۲) در اراک، خلخال، بجنورد و... که به بیش از ۷۰ درصد مهاجران در گروه‌های سنی ۳۹-۱۵ ساله قرار داشتند همخوانی دارد. زیرا در این دوره توسعه روستا در اولین برنامه پنج ساله بعد از انقلاب به عنوان فصلی مستقل تعریف نشد، در نتیجه نابرابری توسعه روستا و شهر، زمینه مهاجرت جوانان را تقویت کرد. چنین روندی دگرگون شدن ترکیب و ساخت جمعیت و عدم تعادل در نسبت جنسی را به دنبال داشته است. این درحالی است که نسبت جنسیتی یکی از شاخص‌های توسعه به شمار می‌رود و بیانگر تساوی موقعیت مردان با زنان است.

دیگر مسئله مورد توجه این است که نسبت اشتغال و بیکاران جویای کار زنان نسبت به مردان در سطح پایین قرار دارد. که بخش دیگری از نابرابری اجتماعی آنان را آشکار می‌کند.

میزان بیکاری در سطح مناطق روستایی شهرستان برای زنان ۳/۷۵ درصد و برای مردان ۲۴/۹۹ درصد می‌باشد. در دهستان برای زنان ۰/۲۹ درصد و برای مردان ۲۱/۰۴ درصد است. بنابراین جمعیت فعال و جوان بیکار روستا که بیشتر مردان را تشکیل می‌دهند، جهت یافتن شغل از ده به سوی شهر روانه می‌شوند. لذا توجه به توسعه زیربنایی و کاهش نابرابری شهر و روستا لازم و ضروری است. یافته‌های این مطالعه با دیدگاه‌های نظری مهاجرت از جمله دیدگاه جذب و دفع و دیدگاه وابستگی نقل از (یزدی و ابراهیمی ۱۳۸۲) قابل مقایسه است.

از یافته‌های دیگر این تحقیق این است که در مناطق روستایی شهرستان در مقطع ابتدایی نسبت سهم آموزشی دختران کمتر از پسران است. اما فاصله خیلی نگران‌کننده نیست. هر چه مقاطع بالاتر می‌شود نسبت سهم آموزشی دختران نسبت به پسران کمتر

می‌شود. در سال تحصیلی ۸۱-۸۰ در مقطع راهنمایی برای دختران ۴۲/۶۷ درصد و برای پسران ۵۷/۳۲ درصد گزارش شده است.

در دهستان سرله وضعیت سهم آموزشی دختران در مقطع ابتدایی کمتر از پسران است. که مورد تأکید این مطالعه است، از مقطع راهنمایی به بالا نسبت سهم آموزشی دختران نگران‌کننده است. در مقطع راهنمایی در سال تحصیلی ۷۷-۷۶ نسبت دختران ۲۱/۰۵ درصد پسران ۷۸/۹۵ درصد بوده است. اما این نسبت در سال ۸۱-۸۰ برای دختران ۳۰/۸۶ درصد و برای پسران ۶۹/۱۴ درصد است. هرچند نسبت به سال ۷۷-۷۶ افزایش پیدا کرده است، اما فاصله همچنان نگران‌کننده است. با این نابرابری آموزشی طبیعتاً سهم آنان در سطوح بالاتر ناچیز است. امروزه سرمایه‌گذاری در امر آموزش به دلایل بسیاری با ارزش است و یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه و ارتقاء تحرک اجتماعی مخصوصاً برای زنان کسب تحصیلات عالی است. یافته‌های این تحقیق بابت نتیجه تحقیقی که در منطقه اصفهان صورت پذیرفت و نیک خلق (۱۳۸۲) به آن اشاره کرده اند یعنی به تاثیر سواد بر مهاجرت و ازسوی دیگر شتاب مهاجرت مردان به زنان رانشان می‌دهد که در مجموع ۵۷/۴ درصد مهاجران باسواد بوده اند نیز قابل مقایسه است و همخوانی دارد.

در کنار مؤلفه‌هایی چون نابرابری تحرک مکانی زنان نسبت به مردان، نابرابری اشتغال آنان و نابرابری آموزشی، وجود محدودیت‌های اجتماعی ناشی از ساخت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر اجتماع روستایی نیز نباید از نظر دور داشت. در این فرآیند دختران مانده در روستا با نگرانی‌های پنهان و پیدا با کاهش شانس طبیعی ازدواج روبرویند. در حالی که در مطالعه حسن زاده (۱۳۸۱) آمده است که تصور زنان از موقعیت و جایگاه اجتماعی خود تغییر کرده است. اما شرایط عینی برای تحقق بخشیدن این تصورات و انتظارات، با موانعی نظیر نابرابری و تبعیض جنسیتی روبرو است. همانطور که دیگر یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد مقایسه ازدواج‌های انجام شده در بین جوانان مهاجر و جوانان ساکن در روستا نشان می‌دهد که ۶۸/۸۸ درصد جوانان ساکن در روستا همسران خود را در محدوده مناطق روستایی انتخاب کرده‌اند و ۳۱/۱۲ درصد خارج از روستا و عموماً از مناطق شهری، همسر انتخاب کرده‌اند. در مقابل مردان مهاجر به شهر ۷۵/۵۴ درصد، در محدوده مناطق شهری همسر انتخاب کرده‌اند و ۲۴/۴۶ درصد از مناطق روستایی همسر انتخاب کرده‌اند. در بین جوانانی که مهاجرت کرده‌اند، گرایش به همسرگزینی، بیشتر به سوی مناطق شهری است تا روستایی و از تأثیر عنصر جغرافیا بر همسرگزینی برای مردان روستا کاسته شده است. در حالی که دختران با محدودیت ناشی از هنجارهای موجود و عدم تحرک اجتماعی روبرو هستند. نکته ظریف دیگر اینکه اخیراً جوانان ساکن در روستا تمایل به همسرگزینی به خارج از روستا پیدا کرده‌اند. از مقایسه

سطح تحصیلات دختران با پسران، آمار نشان می‌دهد که ۲۴/۶۴ درصد از پسران مهاجر دارای تحصیلات ابتدایی و راهنمایی می‌باشند، در مقابل این نسبت برای دختران ساکن در روستا برابر با ۴۰ درصد است.

میزان تحصیلات در مقطع متوسطه و دیپلم برای زنان ساکن در روستا ۲۴/۴۴ درصد است، برای مردان ۲۸/۸۸ درصد است، در سطح فوق دیپلم، لیسانس و بالاتر برای زنان ۲/۲۲ درصد برای مردان ۴۶/۶۶ درصد است.

وضعیت میزان تحصیلات زنان روستا در مقایسه با پسران ساکن در روستا نابرابر است، زیرا این میزان در مقطع ابتدایی و راهنمایی برای زنان ۴۰ درصد و برای مردان ۲۸/۸۸ درصد، در مقطع متوسطه و دیپلم برای زنان ۲۶/۶۶ درصد و برای مردان ۳۵/۵۶ درصد و در مقطع فوق دیپلم، لیسانس و بالاتر برای زنان ۲/۲۲ درصد و برای مردان ۳۵/۵۶ درصد است. این وضعیت نشانگر نابرابری تحرک مکانی و نابرابری آموزشی (تحرک اجتماعی) دختران نسبت به پسران است. بدین ترتیب نتایج این تحقیق با مطالعه سیف الهی (۱۳۸۱) که یکی از پیامدهای مهاجرت، ازدواج مهاجران را با خویشاوندان و خانواده‌های شهری نشان می‌دهد، قابل مقایسه است. زیرا نتایج تحقیق نشان می‌دهد پسران مهاجر برای همسرگزینی تمایلی به دختران روستا نشان نمی‌دهند، چون دختران از تحرک مکانی و اجتماعی با نابرابری روبرویند. مردانی که مهاجرت می‌کنند و از فرصت تحصیلات برخوردار می‌شوند، میل به همسرگزینی آنان از میان مناطق شهری بیشتر می‌شود. ساروخانی (۱۳۸۲) در مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده بر کاهش عنصر جغرافیا و آزادی انتخاب همسر تأکید نموده است. ضمن درست بودن این ادعا باید گفت که طبق نتایج این تحقیق در خصوص مناطق روستایی مورد مطالعه این تغییر برای زنان نسبت به مردان با نابرابری و محدودیت روبرو است. به عبارتی برای دو جنس مرد و زن شرایط یکسان نیست. از طرفی با مطالعه وثوقی (۱۳۸۲) اینکه زنان در جامعه روستایی در موقعیت نازل‌تری نسبت به مردان قرار دارند قابل مقایسه است. زیرا نتایج این تحقیق نابرابری‌های تحرک مکانی، آموزشی و اشتغال زنان نسبت به مردان را منعکس می‌کند. همچنین نتیجه مطالعه زنجانی (۱۳۷۶) حاکی از این است که در بسیاری از بخش‌ها فقر در بین زنان بیشتر است. سطح سواد، آموزش و شرکت آنها در کارها به نحو قابل توجهی پایین‌تر از مردان است. زنان و دختران در همان منطقه می‌مانند و مهاجرت آنان صرفاً به تبع از بقیه اعضای خانواده می‌باشد و چنانچه زنان روستایی با تحصیلات و درآمد پایین با اعضای خانواده به شهر مهاجرت نمایند، معمولاً از اقشار آسیب‌پذیری شهری خواهند بود، زیرا در جامعه شهری واگذاری نقش‌ها و حضور در عرصه‌ها براساس مهارت و تخصص صورت می‌گیرد. در حالی که در اجتماع روستایی سنتی بر اساس سن و جنس است.

خلاصه و نتیجه گیری

با توجه به مباحث نظری مطرح شده در این تحقیق و نتایج این مطالعه، دیدگاه نابرابری جنسی که گیدنز (۱۳۸۳) آن را ناشی از ساخت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌داند، و اصلاح‌پذیر، نیز قابل دفاع می‌باشد چون همواره توسعه و عمران روستایی به شکل جدی و واقعی تحقق پیدا نکرده است تا ساخت اجتماعی و فرهنگی آن تغییر یابد و نابرابری اجتماعی جنسی کاهش یابد. به نظر می‌رسد با روش نظاممند و با مشارکت مردم می‌توان به توسعه از درون و سیاست‌گذاری درست امیدوار بوده در غیر این صورت با توجه به نظریه‌های مهاجرت مطرح شده از جمله دیدگاه جذب و دفع و مکتب وابستگی، توسعه نابرابر روستا و شهر زمینه مهاجرت روستا به شهر را فراهم می‌آورد،

در یک جمع‌بندی نتایج این مطالعه نشان می‌دهد تحرک مکانی و اجتماعی زنان روستایی پایین تر از مردان است که از جمله پیامدهای اجتماعی آن کاهش شانس طبیعی ازدواج دختران روستا می‌باشد. زیرا در بعد جمعیتی شتاب مهاجرت مردان و جوانان مذکر نسبت به زنان بیشتر است، در نتیجه ترکیب ساخت جمعیت در گروه‌های سنی ۱۵-۳۴ ساله از توازن نسبت جنسی برخوردار نیست. در بعد اشتغال سهم زنان به مردان پایین است، نسبت سهم آموزشی دختران در مقطع راهنمایی ۳۰ به ۷۰ است لذا نابرابری تحرک مکانی و اجتماعی جنسی را منعکس می‌کند. با توجه به مقایسه ازدواج‌های انجام شده بین دو گروه جوانان مهاجر و جوانان ساکن، دختران مانده در روستا که با نابرابری اجتماعی و مکانی روبرویند نگرانی از کاهش شانس طبیعی ازدواج در میان آنان نیز وجود دارد. در تحقیقات پیشین انجام شده ضمن نتایج مفید آنان کمتر به این پدیده پرداخته شده، لذا انجام تحقیقات بعدی برای شناخت بیشتر ابعاد جامعه‌شناختی آن و نیز توجه به مسائل مناطق روستایی از جمله توسعه و عمران، پدیده مهاجرت، نظام آموزشی، ازدواج جوانان روستا و... در قالب پروژه‌های پژوهشی توصیه می‌گردد.

فهرست منابع

- اداره آموزش و پرورش شهرستان باغملک، ۱۳۸۲
ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳) توسعه روستایی با تاکید بر جامعه روستایی ایران، تهران، نشر نی.
- پاپلی یزدی، محمد حسین و ابراهیمی، محمد امیر (۱۳۸۱) نظریه‌های توسعه روستایی، تهران، چاپ اول، انتشارات سمت.
- حلم سرشت، پیروش و دل‌پیشه، اسماعیل (۱۳۷۹) جمعیت و تنظیم خانواده، تهران، چاپ ششم، انتشارات چهر
- رابینگتن، ارل و واینبرگ، مارتین (۱۳۸۲) رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی، ترجمه رحمتا... صدیق سروستانی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- زنجانی، حبیب... (۱۳۷۶) تحلیل جمعیت‌شناسی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی در دانشگاه‌ها.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۲) مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران، چاپ ششم، انتشارات سروش.
- سهرابی، ایوب، (۱۳۸۲) جمعیت و تنظیم خانواده، تبریز، چاپ پنجم، نشر اختر.
- سیف‌اللهی، سیف‌الله، (۱۳۸۱) جامعه‌شناسی مسایل اجتماعی در ایران، مجموعه مقالات، تهران، چاپ اول، انتشارات سینا.
- شفرز، برنهارد، (۱۳۸۳) مبانی جامعه‌شناسی جوانان، ترجمه کرامت‌الله راسخ، تهران، نشر نی.
- گروترز، چارلز (۱۳۷۸) جامعه‌شناسی مرتن، ترجمه زهره کسایی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- مدیریت برنامه‌ریزی استان خوزستان، سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۷۵.
- معید فر، سعید (۱۳۸۳) تمایز جنسیتی روستائیان در کار، مجله انجمن جامعه‌شناسی، دوره پنجم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۲.
- نیک خلق، علی‌اکبر (۱۳۸۲) جامعه‌شناسی روستایی، تهران، چاپخ
- وثوقی، منصور (۱۳۸۲) جامعه‌شناسی روستایی، تهران، انتشارات کیهان.
- هودر، روبرت، (۱۳۸۱) جغرافیای توسعه، مترجمان، ناصراقبالی و دیگران، تهران، نشر کلمه

An Outlook on the Gender, Local – Social Mobility In Rural Areas and the Girls' chance For Marriage (The Case of Baghe malek-Khoozestan)

Manoochehr Kurdzangeneh

Abstract

This paper is the result of a research work on the inequality in Social and local mobility, with specific reference an sex disequilibrium in the village areas of Baghmalek county in Kouzestan Province, The main claim of the paper is that due to the migration selectivity Process, the young men of the rural areas are more migratory, and their leaving of the home-villages, the Gender ratio is subject to change So the girls remained in the village, have less chance for marriage. Moreover, the young single boys out-migrated to the city show less eagerness to marry their Fellow-Village girls. Thus, the girls' chance for marriage gets worse. This Paper considers the outcomes of the inequality affected by inequality in Gender social mobility.

Key Concept: rural - urban migration, local mobility, Social mobility, marriage chance, Gender ratio

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی